

پرسش ۵۲۹: تفسیر حروف مقطعه در قرآن چیست؟

السؤال / ۵۲۹: ما هو تفسیر أوائل السور: (حم، یس، حم عسق)؟؟
شکراً.

المرسلة: شمس الصباح - العراق

پرسش ۵۲۹: تفسیر آیات ابتدایی سوره‌های «حم، یس، حم عسق» چیست؟ با تشکر.

فرستنده: شمس الصباح - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

وفقكم الله لكل خير، قد بيّنت في المتشابهات معنى الحروف المقطعة في أوائل السور، فأرجو منكم الإطلاع وقراءة ما مكتوب في كتاب المتشابهات، وأيضاً هذا سؤال وجوابه وهو في نفس الموضوع يمكنكم الاستفادة منه:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند: در کتاب متشابهات، معنای حروف مقطعه‌ای که در ابتدای سوره‌ها آمده است را بیان نموده‌ام. از شما خواهش می‌کنم آن چه در این کتاب نوشته شده است را مطالعه کنید. می‌توانید آنجا پرسش و پاسخ مربوط به آن را که در همین زمینه مطرح شده است، به دست آورید:

س/ ماذا تعني الحروف المقطعة في أوائل السور؟

سوال: حروف مقطعه‌ای که در ابتدای سوره‌ها آمده به چه معنا است؟

ج/ قال تعالى: (الم، المر، حم، يس).

پاسخ: خدای تعالی می‌فرماید: «الم، المر، حم، یس».

الألف: أي فاطمة الزهراء (عليها السلام)، والألف أصل الحروف وأولها وهو أول ما نشأ بعد النقطة، ومنه تتركب باقي الحروف، وهو حرف فاطمة الزهراء (عليها السلام) التي نقل رسول الله (ص) عن الله سبحانه قوله فيها: (يا أحمد، لولاك لما خلقت الأفلاك، ولولا علي لما خلقتك، ولولا فاطمة لما خلقتكما) [85]. ولهذا قدم حرف الزهراء (عليها السلام) ال (ا) على حرف علي (ع) ال (ل) وعلى حرف محمد (ص) ال (م)، فالتقديم في هذا المقام لبيان أن (لولا فاطمة لما خلقتكما) أي لولا الآخرة والتي فيها المعرفة الحقيقية، فلولا المعرفة لما خلق الخلق فالله خلقهم ليعرفوا (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) [86].

الف: یعنی فاطمه زهرا (ع) «الف» اصل و پایه‌ی حروف و نخستین آنها و اولین چیزی است که بعد از نقطه به وجود آمده است، و سایر حروف نیز از آن ترکیب می‌یابند؛ و این، حرف فاطمه زهرا (است که پیامبر (به نقل از خدای سبحان در مورد او فرموده است: (ای احمد! اگر تو نبودی، آسمان‌ها را خلق نمی‌کردم، و اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم) [87]). بنابراین در این مقام، حرف زهرا (ع) یعنی «ا» بر حرف علی یعنی «ل» و بر حرف محمد (ص) یعنی «م» برای بیان «(اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم)» پیشی گرفته است؛ یعنی اگر آخرت که محل تجلی معرفت حقیقی است، وجود نداشت، و اگر معرفت وجود نداشت،

مخلوقات آفریده نمی شدند؛ خداوند آنها را آفرید تا بدانند و بشناسند: (جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریدم) [88].

واللام: لعلي (ع)، وإذا كان علي ظاهر الباب وباطنه فاطمة (عليها السلام)، فالتفت إلى أن الـ (ا) والـ (ل) إذا مزجتا فهذه صورتها: (لا) فتكتب الـ (ا) في باطن الـ (ل)، فالـ (ل) هو الظاهر المحيط بالـ (ا)، وهذه هي (لا) الرفض لحاكمية الناس والتي افتتحت بها كلمة التوحيد لا اله إلا الله، وهي نفسها (لا) الثورة الحسينية التي قامت على رفض حاكمية الناس وإقامة حاكمية الله، فلا اله إلا الله أو (لا) الحسين باطنها فاطمة (الرحمة) وطلب هداية الظالمين، وظاهرها علي (القوة) وقاتل الظالمين؛ لأن اللام هي ألف مطوي بالقوة، أي أنه يشير إلى قوة الله سبحانه (وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ) [89]، وأيضاً باطنها الـ (ا) هو الرحمة بالمؤمنين وظاهرها الـ (ل) هو النقمة على الكافرين بالقائم، وقد عبر عن القائم في بعض الروايات بأنه علي بن أبي طالب أو دابة الأرض، وهي لقب مشترك بين القائم وعلي بن أبي طالب.

لام: متعلق به علی (ع) است، هر چند علی (ع) در ظاهر، در باطنه فاطمه (ع) باطن آن. به «ا» و «ل» دقت کن؛ اگر این دو با هم ترکیب شوند، شکل آنها این گونه می شود: «لا» یعنی «ا» در باطن «ل» نوشته می شود؛ پس «ل» ظاهر و آشکار است و بر «ا» احاطه دارد. این «لا» به معنی رد و نپذیرفتن حاکمیت مردم می باشد و همان است که کلمه ی توحید یعنی «لا اله الا الله» نیز با آن آغاز می شود. این «لا» همان انقلاب حسینی است که بر پایه ی نپذیرفتن حاکمیت مردم و برپاداری حاکمیت خدا شکل گرفت. پس «لا اله الا الله» یا «لا» یعنی حسین (ع) که باطن آن فاطمه (رحمت) و طلب هدایت برای ستمگران است و ظاهرش علی (قدرت) و نبرد با ظالمین می باشد؛ زیرا لام همان الف پیچیده شده با قدرت است، یعنی به قدرت خداوند سبحان اشاره دارد: (و آهن را برایش نرم کردیم) [90]. همچنین باطن آن «ا» رحمت برای

مؤمنان و ظاهرش «ل» نقت و عذاب برای کسانی است که به قائم کفر ورزیده‌اند. در برخی روایات چنین تعبیر شده که قائم، همان علی بن ابی طالب یا «دابة الارض» (جنبده‌ی زمین) است و این لقب بین قائم و علی بن ابی طالب (ع) مشترک می‌باشد.

و

والمیم: محمد تکررت (۱۷) مرة في القرآن، والمیم هي قوس الصعود، وهي على شكل واو مقلوبة ().

میم: محمد ۱۷ بار در قرآن تکرار شده است. «میم» قوس صعود است و به شکل واو برعکس () می‌باشد.

والراء: الحسن(ع).

راء: حسن (ع) است.

والحاء: الحسين(ع).

حاء: حسین (ع) است.

والسين: الإمام المهدي(ع).

و سین: حضرت مهدی (ع) می‌باشد.

یس: أي أن النهاية (س)؛ لأن الياء هنا إشارة إلى النهاية.

یس: یعنی پایان امر «س»، زیرا یاء در اینجا به خاتمه کار اشاره دارد.

والسين تكررت خمس مرات على عدد أصحاب الكساء؛ لأن المهدي (ع) يمثل أصحاب الكساء الخمسة.

سين پنج بار تکرار شده، به تعداد اصحاب کساء چرا که مهدی (ع) بهترین نماینده‌ی پنج تن آل کساء است.

وانظر إلى كلمة التوحيد (لا اله إلا الله) فيها ثلاثة حروف، هي: (الألف واللام والهاء)، وقد عرفت الألف واللام، أما الهاء فهي لإثبات الثابت؛ لأنها الحرف الأول من (هو) الاسم الأعظم، فالهاء لإثبات الثابت وبيان وجوده ومعرفته وشهوده، والواو لبيان غيبته وعدم إدراكه، فهو سبحانه الشاهد الغائب.

به کلمه‌ی توحید (لا اله الا الله) که در آن سه حرف وجود دارد، بنگر این حروف عبارتند از: «الف، لام و هـ». «الف» و «لام» را شناختی؛ و اما «هـ» به معنای اثبات ثابت است زیرا اولین حرف از «هو» اسم اعظم می‌باشد. پس «هـ» برای اثبات ثابت و بیان وجود و معرفت و شهود آن می‌باشد. «واو» نیز بیانگر غیبت او و عدم ادراک او می‌باشد چرا که خدای سبحان شاهد غایب است.

إذن، فالهاء دليل الشهود والمعرفة، وبمحمد(ص) عُرف الله، فمحمد صاحب الفتح المبين (إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً)، فهو الهاء؛ لأن به عُرف الله سبحانه، وهو مدينة الكمالات الإلهية.

بنابراین «هـ» دلیل شهود و معرفت است. به وسیله‌ی محمد(ص)، خدا شناخته شده، پس محمد صاحب فتح المبین است: (ما برای تو پیروزی نمایانی را مقرر کرده‌ایم) پس او «هـ» است زیرا به وسیله‌ی او خدای سبحان شناخته شده و او شهر کمالات الهی است.

فالتوحيد بهذه الحروف الثلاثة (أ، ل، هـ) وهي: (فاطمة، علي، محمد).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

توحيد هم مبتنى بر این حروف سه گانه یعنی «ا»، «ل» و «هـ» است که عبارتند از:
«فاطمه، علی و محمد»

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ١٤٣٢ هـ.ق.



[85] - مستدرک سفینه البحار: ج 3 ص 334.

[86] - الذاریات: 56.

[87] - مستدرک سفینه البحار: ج 3 ص 334.

[88] - الذاریات: 56.

[89] - سبأ: 10.

[90] - سبأ: 10.